

خبر

ریزش ۴۳ هزار و ۳۸۳ واحدی شاخص بورس تهران

● شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران در پایان معاملات دیروز با ریزش ۴۳ هزار و ۳۸۳ واحد روبه‌رو شد. به گزارش فارس، شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران که این روزها روند نوسانی شدیدی در پیش گرفته است و ریزش می‌کند، دیروز هم در پایان معاملات با ریزش ۴۳ هزار و ۳۸۳ واحدی به رقم یک میلیون و ۵۷۲ هزار و ۱۴۸ واحد رسید. همچنین شاخص کل بورس با معیار هم‌وزن دیروز با کاهش ۲۰۶ درصدی چهارهزار و ۷۳۶ واحد افت کرده و به رقم ۴۰۷ هزار و ۷۲۲ واحد رسید. معامله‌گران دیروز در بورس تهران بیش از ۶،۹ میلیارد سهام، حق تقدم و اوراق مالی در قالب ۵۱۹ هزار نوبت معامله و به ارزش شش هزار و ۱۸۹ میلیارد تومان دادوستد کردند. دیروز همه شاخص‌های بورس کاهشی بوده به‌گونه‌ای که شاخص کل بورس نسبت به روز گذشته و شاخص قیمت با معیار وزنی- ارزشی هر کدام ۲،۶۹ درصد کاهش پیدا کردند.

همچنین شاخص کل بورس با معیار هم‌وزن و شاخص قیمت با معیار هم‌وزن هر کدام ۱،۱ درصد کاهش یافته است. شاخص آزاد شناور ۲،۶ درصد کاهش یافت. شاخص بازار اول بورس ۳،۲ درصد کاهش یافت و شاخص بازار دوم بورس ۱،۸۵ درصد افت کرد.

پیگیری ضرب‌وشتم کارمند نفت فلات قاره در مجلس

● عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی از پیگیری علل ضرب‌وشتم یکی از کارکنان نفت فلات قاره به دست حراست این شرکت خبر داد. هادی بیگی‌نژاد، نماینده ملایر و عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه پارلمانی خبرگزاری فارس، از پیگیری علت ضرب‌وشتم یکی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره به دست حراست این شرکت خبر داد. او تأکید کرد که ماجرا در کمیسیون انرژی مجلس پیگیری خواهد شد و با مشخص شدن ابعاد ماجرا، با پیگیری از مقامات مسئول نتیجه را به اطلاع مردم خواهیم رساند. به گزارش فارس، چهارشنبه هفته گذشته یکی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره به نام محمدرضا امینی مورد ضرب‌وشتم نیروهای حراست این شرکت قرار گرفت که با ورود نیروی انتظامی به ماجرا، او به بیمارستان منتقل شد و این کارمند شرکت نفت فلات قاره نیز مستدات خود را درباره این اتفاق در اختیار خبرگزاری فارس قرار داد.

بافزایش ۶۰درصدی وام مسکن جوانان ۴۰۰ میلیون تومان شد

● بانک عامل بخش مسکن سقف تسهیلات قابل پرداخت از محل حساب پس‌انداز مسکن جوانان در تهران را ۶۰ درصد افزایش داد. ویژگی دیگر حساب پس‌انداز مسکن جوانان این است که نیازی به سپرده‌گذاری یکجا با مبالغ سنگین ندارد و از این بابت نسبت به صندوق پس‌انداز مسکن یکم برای گروهی از متقاضیان مسکن ارجح به شمار می‌آید. بر این اساس، سقف تسهیلات قابل پرداخت از این محل در شهر تهران در پایان سال پانزدهم با ۶۰ درصد رشد، از ۲۵۰ میلیون تومان به ۴۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است. همچنین سقف تسهیلات مذکور در شهرهای بزرگ شامل کرج، مشهد، تبریز، اصفهان، اهواز، قم، شیراز و کرمانشاه در پایان سال پانزدهم از ۱۲۰ میلیون به ۲۳۰ میلیون تومان افزایش یافته است. این میزان در مورد سایر نقاط شهری ۱۸۴ میلیون تومان بود که اسامال در ترمیم صورت‌گرفته به ۲۹۰ میلیون تومان افزایش یافت.

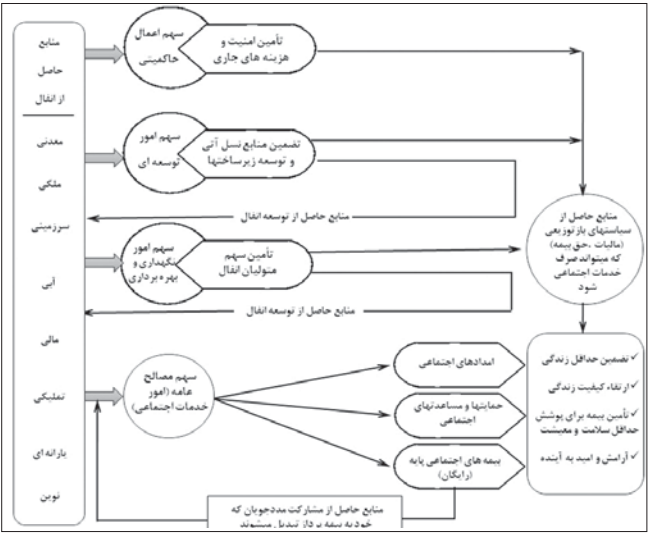
بی‌تردید یکی از الزامات پیشرفت کشورها و سازمان‌ها، بهره‌گیری از نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی مناسب است. ایران در حوزه قوانین و مقررات مربوط به تهیه و تنظیم برنامه و بودجه مانند سایر بخش‌ها با پدیده قدمت قوانین مواجه است و آخرین قانون مدون و مستحج در این زمینه، قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ است و در این چند دهه، قانون مزبور اگرچه به‌صورت وصله‌پینه‌ای و در جوف سایر قوانین و مقررات دچار تغییرات مساعد و نامساعد زیادی شده است اما به هر تقدیر کشور در حال حاضر فاقد یک قانون روزآمد و متناسب با شرایط و اقتضانات عصری در حوزه تهیه و تنظیم و تصویب برنامه و بودجه به صورت جامع و یکپارچه است. قبلاً تلاش‌های مطالعاتی زیادی در سازمان برنامه و بودجه و مرکز پژوهش‌های مجلس با محوریت کارشناسی مرحوم دکتر علی‌اکبر شبیری‌نژاد صورت گرفت که انتشار یافته، ولی منجر به تصویب قانون یا تمهید و تدارک سازوکار جدیدی نشده است. در سال‌های اخیر نیز مباحثی درخصوص اصلاح ساختار بودجه کشور به میان آمده و از جمله مباحث عمده در این زمینه، موضوع بودجه شرکت‌ها و مؤسسات دولتی است که حدود دوسوم بودجه کل کشور را شامل می‌شود و در فرایندهای تهیه و تنظیم و تصویب قانون بودجه کمتر مورد توجه و مذاقه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که سهم بودجه عمومی از بودجه کل کشور در یک دهه اخیر و هم‌اکنون با اعمال رویکردهایی نظیر خصوصی‌سازی، واگذاری تصدی‌گری‌ها، برون‌سپاری‌ها، شرکت‌های مادر-تخصصی، افزایش مجموعه‌های هیئت‌امثالی و خودگردان، سازمان‌های حرفه‌ای و تخصصی و صنفی که نقش حاکمیتی تنظیم‌گری به خود گرفته‌اند (نظیر نظام مهندسی، نظام پزشکی) و... هر روز کوچک‌تر می‌شود. به بیان دیگر مشکلات تحریم‌ها و محاصره اقتصادی و... منجر به کوچک شدن «یک اقتصاد» و مشکلات مربوط به ساختار تهیه و تنظیم برنامه و بودجه، منجر به کوچک‌شدن «یک بودجه کل کشور» و پدیده‌هایی نظیر خصوصی‌سازی و اختصاصی‌سازی (شرکت‌های مادر-تخصصی، نهادهای عمومی غیردولتی، سمن‌های صنفی و...) منجر به کوچک‌شدن «یک بودجه عمومی کشور» شده و به هر تقدیر سال‌هاست که دولت، مجلس و... غالباً بر کوچک‌ترین بخش برنامه و بودجه کشور یعنی همان بودجه عمومی متمرکز می‌شوند؛ در حالی که این بخش از بودجه صرف‌نظر از قَلت میزان (حدود یک‌سوم کل بودجه کشور) از جمله بخش‌هایی است که قدرت مانور تصمیم‌گیری کمی دارد و اغلب هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر جاری دولت را شامل می‌شود که تغییر و تبدیل آن به راحتی میسر نیست. به نظر می‌رسد یکی از اشکالات اساسی نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور، ابتدای آن بر انفال خوری است و اثرات این نقیصه به حدی است که شکل‌گیری صندوق ذخیره ارزی (در دهه ۸۰) و صندوق توسعه ملی (در دهه ۹۰) و حتی تحقق بودجه بدون نفت نیز نمی‌تواند آن را مرتفع کند و چه‌بسا از همین صندوق‌هایی که می‌بایست به صیانت از عواید حاصل از فروش انفال بین‌النسلی (نفت و مشتقات و متفرعات آن) بپردازند برای مصارفی هزینه شود که ضد برنامه، ضد بودجه و ضد توسعه هستند؛ نظیر استفاده از منابع آنها برای تأمین خسارات مؤسسات مالی و اعتباری یا حمایت از حباب بورس و... راه‌حل مرتفع‌شدن این نقیصه بزرگ را می‌توان در عملیاتی‌شدن اصل ۴۵ قانون اساسی (انفال) دانست؛ به بیان دیگر لازم است یک نظام نوین مدیریت و ساماندهی انفال بر اساس اصل مزبور شکل بگیرد و ساختار و سازوکار ذی‌حسابی انفال و خزانه‌داری کل انفال به‌صورت مستقل و فرابخشی (فارغ از مداخلات و فشارهای نهادهای انتخابی که غالباً در موسم پیش از انتخابات، انفال و عواید حاصل از انفال را دستمایه جذب آرای انتخابات شوراها، مجلس و ریاست‌جمهوری می‌کنند) طرحی و پیاده‌سازی شود. در صورت شکل‌گیری نظام مدیریت و ساماندهی انفال کشور و ایجاد ذی‌حسابی انفال و خزانه‌داری کل انفال، رابطه و تعامل بین چرخه منابع و مصارف انفال و عواید حاصل از آن با چرخه درآمد و هزینه بخش اجرایی

اقتصاد

ساختار بودجه باید اصلاح شود

اختصاصی سازی منافع ملی

علی حیدری ـ عضو و نایب‌رئیس هیئتمدیره سازمان تأمین اجتماعی



کشور (مجلس، دولت و... به عنوان کارگزار انفال) برقرار شده و ضمن صیانت از انفال به‌ویژه در حوزه انفال بین‌نسلی، از انفال و عواید حاصل از آن برای مصالح عامه و پیشرفت، تعالی و توسعه کشور به‌صورت عادلانه و منصفانه استفاده می‌شود. مدل کلی چرخه منابع و مصارف انفال به این شکل خواهد بود: هر کشوری به نوعی دارای مزیت‌هایی است که می‌توان این مزیت‌ها را به چند دسته تقسیم کرد:

الف- مزیت‌های موهبتی: مزیت‌هایی که غالباً طبیعی و سرزمینی است نظیر موقعیت ژئوپلیتیک، معادن نفت و گاز، گردشگری و...

ب- مزیت‌های اکتسابی: مزیت‌هایی که نسل‌های مختلف مردمان آن کشور از دیرباز تاکنون بر پایه دانش و مهارت و با تلاش و کوشش فکری و عملی برای خود مهیا کرده‌اند؛ برخی از این مزایای اکتسابی بر پایه استفاده صحیح از مزیت‌های موهبتی به دست آمده است؛ به‌طور مثال عدم خام‌فروشی نفت و تولید محصولات از مواد خام و قس علیهذا.

ج - مزیت‌های بالقای: مزیت‌هایی که از ناحیه استعمار یا استثمار یا استحمار توسط کشورهای دیگر به یک کشور القا یا تحمیل می‌شود یا از هم‌پیمانی و همکاری مشترک با کشورهای پیشرفته حاصل می‌آید. برخی از این مزیت‌های بالقایی بر پایه مزیت‌های اکتسابی و موهبتی شکل گرفته است و چه‌بسا کشورهایی که فاقد مزیت‌های موهبتی بوده‌اند ولی بر پایه هم‌پیمانی و همکاری مشترک با دیگر کشورها توانسته‌اند مدارج توسعه‌یافتگی را طی کنند؛ کشورهایی نظیر سنگاپور، تایوان، هنگ‌کنگ و... از این قبیل هستند. حال باید پرسید چرا ایران که دارای مزیت‌های موهبتی و اکتسابی فراوانی بوده و هست، در جایگاهی که باید باشد نیست. ب‌رواض است که ظرفیت‌ها و امکانات بالقول و بالقوه ایران از منظر مزیت‌های موهبتی و اکتسابی بسیار متنوع و متکثر است و علی‌القاعده اگر از این ذخایر و اندوخته‌ها به درستی استفاده می‌شد یا بشود، دستیابی به قله‌های پیشرفت و لبه‌های تکنولوژی و از همه مهم‌تر نیل به رفاه عمومی و همگانی، دور از دسترس نبوده و نیست. شاید بتوان یکی از علت‌های اساسی این شرایط را وضعیت نامناسب نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور دانست. به‌طورکلی می‌توان این نظام را «برنامه و بودجه انفالی» نامید. در این نظام تمام اجزا و عناصر ذی‌مدخل به دنبال سهم‌بری بیشتر از انفال هستند و هدف نهایی آنها، تحصیل سهم‌الشرکه بیشتر از انفال بوده و به دنبال مال خود کردن انفال و بهره‌مندی نا عادلانه از این حق همگانی هستند. در این میان فقط وسیله، ابزار، مستمسک و بهانه‌های مورد استفاده برای انفال‌خواری متفاوت است وگرنه وجه مشترک همه تلاش‌ها، سهم‌بری بیشتر از انفال و خاصه‌خرج و اختصاصی‌سازی خواهد شد.

روش شدید نقدینگی در صورت تصویب طرح جهش تولید مسکن

۲. در صورتی که تسهیلات پرداختی بانک‌ها موضوع این طرح جایگزین تسهیلات پرداختی به سایر بخش‌ها شود عللاً رشد بخش مسکن با هزینه‌تشدید رکود در سایر بخش‌های اقتصادی اتفاق افتاد.

۳. وضع مالیات معادل ۲۰ درصد تعهد انجام‌نشده تسهیلات پرداختی می‌تواند این ۶۰ هزار میلیارد تومان را ۳۰۰ میلیاتی برای بانک‌ها داشته باشد. «کل درآمد مالیاتی قانون بودجه ۹۹ حدود ۲۲۰ هزارمیلیارد تومان است» که این رقم عللاً به معنای ورشکستگی بانک‌ها و تشدید ناترازی شبکه بانکی خواهد بود که ضمن کاهش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها، باعث خلق نقدینگی بی‌کیفیت در اقتصاد کشور خواهد شد.

۴. در سال ۱۳۹۹ حدود ۴۰ درصد منابع بودجه از محل منابع غیرپایداری مانند استقرار تأمین می‌شود که با توجه به شرایط جاری کشور، عدم برنامه‌ریزی جهت تأمین منابع پایدار توسط دولت، افزایش فوق‌العاده‌های کارمندان، همدان سازی بازنشستگان و... این موضوع در سال‌های بعد نیز تشدید خواهد شد. تداوم این شرایط و تأمین کسری بودجه از مسیرهایی مانند استقراض از بانک مرکزی، کشور را با خطر تورم‌های بسیار شدید مواجه کرده است و می‌بایست در هر نوع تصمیم‌گیری این موضوع مدنظر باشد تا از تشدید کسری بودجه و رشد باید پولی در نتیجه استقراض از بانک مرکزی جلوگیری شود. با این وجود طرح در دست بررسی بار بودجه‌ای ۱۰ هزار میلیارد تومانی به همراه استیاء و موجب تشدید کسری بودجه خواهد شد. ۵. یکی از راهکارهای تأمین بخشی از کسری بودجه مولدسازی دارایی‌های دولت است؛ به عنوان مثال در بند دال تبصره ۱۱ قانون بودجه ۱۳۹۹، پیش‌بینی شده است ۴۰ هزار میلیارد تومان از منابع بودجه از محل واگذاری اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول مازاد قوه مجریه به استثنای انفال و موارد مندرج در اصل هشتادوسوم قانون اساسی تأمین شود، ولی در این طرح از این رویکرد برای جریان کسری بودجه یا حداقل تأمین بار مالی اجرای همین طرح نیز استفاده نشده است.

۶. رویکرد حاکم بر مواد طرح ادغام سیاست‌های حمایتی با سیاست عرضه بسیار بزرگی است که دارای موضوع موجب شده است که سیاست اتخاذشده برای سیاست‌های حمایتی

است. در این نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی همواره انفال و عواید حاصل از آن، بر اساس رویکردهای حزبی، صنفی، منطقه‌ای و محلی، قومیتی، بخشی و دستگاهی و... تسهیم و توزیع می‌شود و با عوض‌شدن دولت‌ها و مجلس‌ها و جابه‌جایی افراد در مراکز قدرت، فقط جابه‌جایی در سهم‌بری بیشتر از انفال اتفاق می‌افتد و انفال‌خواری ادامه دارد. بدین معنا که وجه مشترک غالب احکام بودجه‌ای در این بودجه انفالی، مصادره به مطلوب کردن و ایجاد دسترسی سهل‌تر به انفال و بهره‌مندی بیشتر از انفال است و غالباً «منافع ملی» و «مصالح عامه» در تصمیم‌گیری‌های بودجه‌ای و برنامه‌های مغفول می‌ماند و در محاق قرار می‌گیرد. این در حالی است که انفال متعلق به هیچ فرد یا قوه یا دستگاه اجرایی یا وزارتخانه نیست و اموال عمومی است و درخصوص انفال بین‌النسلی (نفت، گاز، معادن و...) این انفال حتی متعلق به نسل فعلی مردم نیست و بایستی در استفاده از آنها، مصالح و منافع نسل‌های آتی نیز لحاظ شود و با پرهیز از خام‌فروشی یا سرمایه‌گذاری روی آنها و احداث زیرساخت‌ها و زیربنایهای ملی، شرایطی را فراهم کرد که عواید حاصل از این نوع انفال برای نسل‌های آتی نیز تضمین شود. نتیجه آنکه انفال جزء اموال عمومی است و نمی‌تواند به مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی درآید و فقط می‌توان با اخ‌حق بهره‌برداری یا اجر و حق مالکانه، اجازه بهره‌برداری از آن را داد و عواید حاصل از آن باید صرف منافع ملی و مصالح عامه شود. انواع انفال شامل معدنی (نفت، گاز و فلزات و سنگ‌های قیمتی و تزئینی و...)، ملکی (زمین‌ها، مراتع، جنگل‌ها و...)، سرزمینی (جاده‌ها، ریل‌ها و...)، آبی (رودها، دریاها، چاه‌ها، چشمه‌ها و...) و تملیکی (اموال بـلاوارث و بلاصاحب، متروکه، توقیفی، مصادره‌ای و...) مالی و یارانـه‌ای و نوین (خطوط فیبر نوری، ابرپارانشی، BIG DATA، کریدورهای هوایی، مسیرهای آبی و زمینی ترانزیتی و...) هستند و عواید حاصل از آنها باید به چهار بخش تسهیم و تقسیم شود:

الف- سهم اعمال حاکمیت (منافع ملی، تأمین امنیت و هزینه‌های جاری)

ب - سهم امور توسعه‌ای (تضمین منافع نسل آتی و توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد ارزش افزوده روی انفال و...)

ج - سهم امور نگهداری و بهره‌برداری (حق‌العمل‌کاری و کارگزاری حفظ انفال که سهم متولیان و امین اموال است)

د - سهم مصالح عامه (تأمین رفاه تک‌تک مردم به‌طور اعم و اقشار و گروه‌های هدف به‌طور اخص).

ولی آنچه در نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی انفالی اتفاق می‌افتد این است که غالباً این‌طور تلقی می‌شود که اولاً انفال متعلق به قوه مجریه با مجوز و سهم‌بری دو قوه دیگر است، ثانیاً انفال متعلق به دستگاه اجرایی، وزارتخانه، سازمان یا شرکت متولی آن است و ثالثاً بخش اعظم عواید حاصل از انفال (با اعطای حق مالکیت، خام‌فروشی و...) به مجربان تعلق دارد و تنها بخشی از آن باید به حساب خزانه واریز شود. در فقدان یک نظام ذی‌حسابی و خزانه‌داری کل انفال و در شرایطی که اصل ۴۵ قانون اساسی مغفول واقع شده است، عملاً نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور به عنوان محملی برای استفاده بیشتر از انفال بر اساس رویکردهای حزبی، صنفی، منطقه‌ای و محلی، قومیتی، بخشی و دستگاهی و... است و در این میان هر کس قدرت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را در اختیار دارد، سهم بیشتری می‌برد و با توجه به نظام انتخاباتی کشور تقریباً هر دو سال یک بار به‌ویژه با انتخابات ریاست‌جمهوری، جابه‌جایی قدرت در دستیابی به انفال صورت می‌گیرد و در این میان آنچه مغفول می‌ماند «منافع ملی» و «مصالح عامه» است. بنابراین به نظر می‌رسد برای اعمال اصلاحات ساختاری در نظام بودجه‌ریزی کشور باید یک اصلاح پارادایمیک و بنیادی صورت بگیرد و با اجرای شدن اصل ۴۵ قانون اساسی، ذی‌حسابی و خزانه‌داری کل انفال از ذی‌حسابی و خزانه‌داری کل اموال منفک و تلاش شود بخش اعظم انفال و عواید حاصل از آن صرف «منافع ملی» و «مصالح عامه» شود.

و بهره‌مندی از تسهیلات دولتی مغفول بماند و در متن طرح به مشمولین اشاره‌ای نشود. این در حالی است که معیارهای تعیین‌شده در ماده یک قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و آیین‌نامه آن نیز از کارآمدی لازم در تعیین مشمولین سیاست‌های حمایتی بهره‌مند نیست؛ به عنوان مثال بر اساس بررسی‌های بودجه خانوار بیش از ۴۰ درصد خانوارهای شهری سه دهک پایین درآمدی مالک واحد مسکونی بوده و این افراد مشمول سیاست حمایتی نخواهند شد و در مقابل افراد حاضر در دهک‌های بالای درآمدی صرفاً به دلیل مالک‌نبودن و عدم استفاده از تسهیلات دولتی مسکن و توانایی پرداخت اقساط تسهیلات موضوع این طرح، مشمول این سیاست خواهند شد. بهره‌مندی یا عدم بهره‌مندی از حمایت‌های موضوع این طرح می‌تواند موجب جابه‌جایی شدید دهک درآمدی افراد شود.

۷. کیفیت سیاست حمایتی و جزئیات آن در طرح، مبهم است؛ در حالی که سیاست‌های حمایتی می‌بایست به صورت بلکائی اعمال شده و بدون این شرایط و تأمین کسری واحدهای با مساحت ۴۰ تا ۶۰ مترمربع مورد حمایت بیشتری واقع شوند. از سوی دیگر سیاست‌های حمایتی برای اقشار کم‌درآمد و جوانان باید درصد بیشتری در نظر گرفته شود و اقشار مخاطب طرح هم با توجه به معیارهای درآمدی و امکانات زندگی دقیقاً تعریف شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به موارد ذکرشده با وجود اینکه هدف و اولویت اقدام در جهت بهبود وضعیت دسترسی عمومی به مسکن و کاهش سهم مسکن در هزینه‌های خانوار به درستی انتخاب شده است اما به دلیل عدم طراحی سازوکارهای مناسب نیازمند آن است که زمان لازم برای مدقق نظر و رفع ابهامات مختلف از جمله مخالفت با اصل ۷۵ قانون اساسی در تأمین منابع مالی و بازنگری در این طرح مهم فراهم شود تا با طی فرایندی مناسب و با دخیل‌کردن همه کمیسیون‌های ذی‌ربط در کنار کمیسیون عمران به‌عنوان کمیسیون اصلی و دستگاه‌های مرتبط وجوه مختلف آن که دارای ابعاد مالی و مخاطرات زیرساختی حاکم بر بزرگی است با دقت کافی مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد.

گنر

پرداخت ۴۵۰۰ میلیارد تومان وام به بنگاه‌های آسیب‌دیده از کرونا

● تاکنون ۱۳هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان از منابع کرونا جهت پرداخت وام به کسب‌وکارها به بانک‌ها اختصاص یافته که از این مبلغ، چهارهزار و ۵۰۰ میلیارد تومان وام به کسب‌وکارها گفت: تاکنون ۱۳هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان از منابع کرونا جهت پرداخت وام به کسب‌وکارها به بانک‌ها اختصاص یافته است. وی که خواست نامش در مصاحبه ذکر نشود، افزود: از کل مبلغ تخصیص یافته به نظام بانکی، چهارهزارو ۵۰۰ میلیارد تومان وام به کسب‌وکارها پرداخت شده است. به گزارش مهر، پس از شیوع کرونا و به‌مخاطره‌افتادن وضعیت کسب‌وکار کشور اعلام شد که تعداد بنگاه‌های آسیب‌دیده ذیل ۱۴ رشته منتخب سه میلیون واحد است که ۱.۳ میلیون واحد آن بیمه شده و دارای کد کارگاهی و ۱.۷ میلیون واحد فاقد بیمه و کد کارگاهی هستند؛ همچنین در این واحدها ۲۰ هزار نفر بیمه‌شده و سه میلیون نفر فاقد بیمه مشغول به کار هستند. دولت برای کاهش بحران کرونا در وضعیت فعالیت بنگاه‌های اقتصادی کشور، مقرر کرد که ۴۹ هزار میلیارد تومان بودجه در قالب تسهیلات از ۱۶٪ تا بیش از ۲۰۰ میلیون تومان به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده پرداخت شود که البته در ادامه، ۲۰ هزار میلیارد تومان از این ۴۹ هزار میلیارد تومان به پرداخت وام ودیعه مسکن اختصاص یافت. در همین ارتباط، ۸۴۸ زیررسته به‌عنوان مشاغل به‌شدت آسیب‌دیده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شناسایی شدند و مقرر شد فعالان این رشته‌ها، پس از ثبت‌نام در سامانه کار، تسهیلاتی با سود ۱۲ درصد دریافت کنند.

ادامه از صفحه اول

عمل‌گرایی در گردشگری روستایی به جای شعار

مفهوم گردشگری پایدار مدتی است که جایگاه خود را پیدا کرده است؛ گردشگری پایدار می‌تواند سهم بسزایی در تنوع‌سازی اقتصاد و توسعه پایدار داشته باشد؛ با ایجاد شغل و درآمد موجب توسعه مناطق کم‌برخوردار و توسعه‌نیافته می‌شود و از سوی دیگر با توجه به اکولوژی منطقه از تخریب جلوگیری کرده و به سوی حفاظت کام برمی‌دارد. ایران نیز به‌لحاظ داشتن روستاهای بکر و خاص بسیار توانمند است که از آن جمله می‌توان به ایبانه، ماسوله، کندوان و جواهرده اشاره کرد؛ اما در این میان روستاهایی هم هستند که با توجه به پتانسیل‌های مهم اقتصادی، کشاورزی و گردشگری ساکنانش راه شهرها را در پیش گرفته‌اند و در این میان، پیشنهاد می‌شود همگام با توجه جهانان به توسعه روستایی در جهت نخست فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و تبلیغات صحیح با توجه به گردشگری پایدار همراه با تهیه و تصویب طرحی جامع برای مناطق روستایی، گام برداشته شود و در این میان توجه به ساخت و بهبود زیرساخت‌های لازم به‌منظور حفظ و احیای روستاهای مستعد و هدف گردشگری، ارائه مشق‌های لازم به فعالان محلی برای فراهم‌کردن مشارکت حداکثری روستائیان و آموزش جوامع محلی و ترویج رعایت کدهای اخلاقی ازسوی گردشگران و دست‌اندرکاران با توجه به اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار سازمان ملل متحد تأکید می‌شود. لذا ارائه و یا تجدیدنظر در نحوه درنظرگرفتن مشوق‌های سرمایه‌گذاری و سبترسازی برای جلب مشارکت حداکثری بخش خصوصی و حمایت‌های قانونی لازم و تسهیلگر به‌منظور سرمایه‌گذاری مولد در مناطق روستایی نیز از جمله عواملی هستند که سیاست‌گذاران باید به آن توجه کنند تا شعار «گردشگری و توسعه روستایی» به مقام عمل درآید.

جنگی که باید تمام می‌شد

عجیب اینجاست که این سیاست‌های غیرعقلانه و غیرمدرانه در زمان عادی‌تربودن را حتی در زمان تحریم و جنگ اقتصادی ادامه داده و نیز در برخی موارد تشدید کرده‌ایم؛ مانند زمان ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد ونیز در دولت فعلی، جالب آنکه نهادهای بالادستی و نظارتی هم به مدله ورود نکرده‌اند، زیرا آنچه را می‌گذرد طبیعی می‌دانند و تابع ضرب‌المثل «دستش نزن بدتر می‌شود» هستند. اینکه که مقام معظم رهبری بر عقلانله‌بودن و مدبرانه‌بودن امر تأکید می‌کنند، باید حتما به برخی سیاست‌های داخلی و برخی پیشنهادها در روابط خارجی مثل خبربرداشتن برای خروج از بگرام، خروج از پروتکل الحاقی انرژی اتمی، ارائه تصویب‌نامه لایح پول‌ششونی با عقل بدون تردید تصمیم‌ها و تدبیرهای عقلانه می‌تواند به خروج کشور از گرداب‌هایی که دشمن به وجود آورده و در گسترش آن تعجیل دارد، مؤثر افتد.